

فرارگاه باز دیگر آسنان‌های لبراول دموکراسی در
عرصه جهانی، نقش مسلط به خود گرفته و فرصت
تاریخی نوینی را برای تجدیدخواهان فراهم آورده است.
در جامعه ما تجدیدخواهی می‌رود تا نقش همزیستیک
خود را ایجاد نماید. گویان دینی پرچمدار تجدیدخواهی
نیز ایران هستند و طیف وسیعی را در بر می‌گیرند. با
تیریرانی که جهان به خود گرفته است و فشارهای
اقتصادی که کشورهای بی‌براهمی متلا به این هستند و
بناز به سرمایه‌های شادور برای کویز را بحران‌ها، گرایش
رهایی ملی در مومنی ضعیف قرار گرفته و از راهبردی
شعاف پرورنده نیست. سیاست نشت‌رانیی سلاح
کشورهایست با حاکمیتی ملی و مستقل و قدرتمند که
مهدترین پادشاه آن در انتقال تا تکلیف‌ها، مصلحت‌های ملی
به حساب می‌آید و از اینجولون‌های گرون دیپلماسی
بین‌المللی شوقیه آید. مومنیان در حالی است که
گرایش مستعد که مومنیان لبراهری فوت را در
انحصار خود دارد در تلائن است در همه حوزه‌ها
دیپلماسی را اینجولون‌یک کند.

این سیاست بر کویز و انفصال و عدم‌های فراوان
اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای جامعه
امروز ایران نتیجه مومنی را به دنبال نخواهد داشت و از
آن سوی این خطر وجود دارد که به خاطر نقایق
مستغرابان و تجدیدگرایان بر مومنی سیاست
نشت‌رانی، گرایش‌های ملی‌گرای مضمون‌مطلق
بر شرایط گونی جهان نگرند و با تحت تأثیر هر یک از
دو گرایش تجدیدخواهی و مستغرابی به فراتر، فراتر
شد.

گرایش عدالت‌خواهانه با وجود حضور و تأسیس رو
به گسترش و باطل‌گرایی طیفی کارگر ضعیف‌ترین
گرایش در بین چهار گرایش به حساب می‌آید هر چند در
بین مستغرابان دینی دست‌های شادور بر گرایش
تجدیدخواهانه از گرایش عدالت‌خواهانه نیز پرورنده
در بین این تقاضا مصلحت‌گرای و روشن‌فکران شادور بر
گرایش تجدیدخواهانه گرایش به عدالت اجتماعی نیز
دیده می‌شود. بنا در بین نهی‌دستان شهری مستغراب
گرایش به عدالت اجتماعی وجود دارد.
مسئله آن است که در جوانان رزنگی، هر یک از
گرایش‌ها بر گرایش دیگر اثر گذاشته و با آنز می‌بازند
چنان‌چه تاریخ نشان داده است از کنش متقابل دو
گرایش مستغراب و خواستاران عدالت اجتماعی دو شرایط
گوناگون تاریخی، سوسال فتولابوم و با سوسیالیسم
تسخیلی و سوسیالیسم گریه‌شده شده است. سوسالی
دموکراسی هم حاصل کنش متقابل تجدیدخواهی و
عدالت اجتماعی است. ایده یسگر به چگونگی توانان
ملکی دارد که بین نیروهای اجتماع ایجاد می‌گردد هر سه
جنبش اجتماعی بزرگی که در فزون ساسر پشت سر
گذاشته‌اند دو شرایطی شکل گرفته‌اند که بحران همزونی
رأس هر دو نظام جهانی را در بر گرفته بود. در چنین
وضعیتی جنبش تجدیدخواهانه در صورتی می‌تواند
پیروز گردد که با راه‌های ملی پیوسته با گسترش داشته
باشد.

منابع
1- دموکراسی در ایران، فریدون، ص 115، ص 116، ص 117
2- ایران، امیرکبیر، ج 1، ص 115، ص 116، ص 117

نظام‌های سیاسی در کشورهای پیرامونی شرقی

اسفندیار بهاری

در کشورهای پیرامونی شرقی با توجه به سطح
تکامل شکاف بین سنت و مدرنیسم با اشکال گوناگون
از نظام‌های سیاسی روبرو هستیم.

1- نظام سیاسی متکی به استبداد کهن

و آن در صورتی است که توان نیروهای اجتماعی
به طور قطعی به نفع نیروهای مستغراب‌اند. در این نوع
از نظام‌ها با هیچ‌یک از مظاهر مدرنیسم روبرو نیستیم
و تمام اشیاء - باری مالکیت از آن حکومت و حق
انتفاع برای مردم قابل استعد. فرمانروا یا مدیر الهی است و
فرد در چهارچوب حماقت هوبت می‌باید شهر عمدتاً نقش
مصرفی دارد و دستگاه دیوانسالاری حکومت
مصرف‌کننده عمده به شمار می‌آید. هر قدر اصل در
شهر دلال است و بازرگانان عرضه‌کننده کالا‌های
مصرفی نظام سرمایه‌داری هستند در روستا و شهرها
تقسیم کار اجتماعی ایجاد نشده و مالات بین چاه‌ها،
روستایی و شهری‌های تجار می‌گردد فرهنگ خوبی
فوس شکاف و پراکنگی و مشتاقی را بین اقتدار
گوناگون جامعه ایجاد کرده و بزرگ‌ترین مانع برای
شکل‌گیری دولت - ملت به مفهوم مدرن است.

2- نظام سیاسی متکی به قدرت دوگانه

در صورتی که بین مستغرابان و مدرنیست‌ها توانان
برقرار باشد بحران قدرت را در بر می‌گیرد. نیروهای
استبداد کهن و مدرنیسم با اشکال گوناگون به مبارزه با
هم بر می‌خورند. مستغرابان سازمان‌ده حکومت و
مدرنیست‌ها با تشکیل دولت خواهان انتقال قدرت از
حکومت به دولت می‌باشند. در چنین کشورهایی با روند
شکاف‌ها بین طبقات با راهی خاص ایجاد می‌گردد و
انتخاب و انتقال نیروها را در بر می‌گیرد. مستغرابان به
سه لایه تقسیم می‌گردند: 1- مستغرابی محافظه‌کار
(اسپانور) 2- مستغرابی شادور (شبه‌فاشیست) 3-
مستغرابی سوسیالیست. محافظه‌کاران نگاه به تحولات
دارد و از بخش اینجولون‌یک و فن‌سالار تشکیل
یافته‌اند و در جستجوی فتح سرگشته هستند. چنان‌چه
از موقع قوی‌تری نسبت به مدرنیست‌ها برخوردار
باشند، حیزله با فو لایه‌ی دیگر درصدد پیوستگی کامل
ارکان‌های قدرت بر می‌آیند. در صورت پیوستگی کامل
مدرنیسم سنت به سیاست‌گشا، مومنی و با انتقال
تا تکلیف‌های گوناگون سد راه حرکت‌ها و برنامه‌های
مدرنیسم می‌گردند. در صورت تغییر فطری توانان به نفع
مدرنیسم دچار شک و تردید می‌شوند و راه خود را در
لایه‌ی دیگر جدا می‌کنند. بخشش از آن اسپانور
اینجولون‌یک) مبتلا به بی‌توانی سیاسی می‌شوند و
مسئله‌ی دیگر که عمدتاً تخصص‌سالار و فن‌گرا هستند
به سه مدرنیسم می‌پیوندند. مستغرابان نشترو که
خواهان بازگشت به عقب هستند در عرصه‌ی اقتصاد
خواهان انحصار تجارت در دست خود می‌باشند و در صدد
بازگشت به نظام سیاسی متکی به استبداد کهن

می‌باشند آن‌ها در حالی که توانان فو به نفع مستغرابان
است انحصار تجارت را در اختیار دارند.

هر عمل تغییر فطری مدرنیسم را حرکتی کمونیستی و
شوک‌گرای قطعی می‌کنند. در شرایط برابری قدرت با
مدرنیست‌ها، تکنیکان کارا مؤثر را یا خریداری می‌کنند و
با یا دست زدن به عملی نوآوری را بر سر می‌دارند.
تئوری‌های مستغرابی راسته در شرایطی که توانان
فو را به نفع و قیوت پیوسته دست به خریداری و ایجاد
انجولون و با خنده و بزرگ مستغرابان سوسیالیست
را به دیگری فیزیکی با هیولان مدرنیسم می‌کشاند تا
زمینه را برای کودتا فراهم آورند و در این راه نزدیک به
استعمارگران و نیز سجاد می‌باشند. در این راه بسیاری از
جنبش‌ها اسپانور از این چشم استبداد استفاده

مستغرابان سوسیالیست نهی‌دستان شهری
هستند که در دوران تسلط استبداد کهن به منقذه با
مدرنیسم بر می‌خورند. در انقلاب‌های فتولابور آن‌ها
سربازان اصلی استفاده حکومت از مستغرابان
جستجویی جامعه‌ی بی‌طبقه هستند از شور و
احساسات ویژه، پرورنده و در راه آن‌چه که باور دارند
چنان می‌باشند. در حاشیای که بین مستغرابان و
مدرنیست‌ها رخ می‌دهد شکاف به گمالم می‌رسد دست به
اقدامات زیر می‌زنند و در افراد مستغرابان تبدیل
می‌شوند. با پیروی فطری مدرنیسم بسیاری از آن‌ها
جنب کارخانه‌ها و جنبش‌ها جدا می‌گردند.

3- نظام سیاسی متکی بر مدرنیسم و شبه‌مدرنیسم

با فطری شدن پیروزی مدرنیسم بر مستغرابان
نیروهای جوانان مدرنیسم مابیت شخص‌نوی به خود
گرفته و به دو جریان هیولان مدرنیسم و شبه مدرنیسم
تبدیل می‌شوند. تجدیدخواهان منحصراً جوانان
رهایی ملی، تجدیدخواهان و هیولان دموکراسی
اجتماعی که نمایندگان خریدار پیروزی مدرنیسم می‌باشند
جریان اول را تشکیل می‌دهند. فن‌گرایان روند دلالان
سرمایه‌های شادور چه ملتی و ترسیده و سرازو مالی
اسپانور، سرمایه‌های بزرگ داخلی که راه استخراج
سرمایه‌ی بین‌المللی را طی می‌کنند به دنبال
شبه‌مدرنیسم هستند.
تجزیه جنبش‌های معاصر در کشورهای پیرامونی
نشان داده است که جریان اول در صورتی که پیروزی
دست خواهد یافت که در حیله‌ی متحد به نوب هم
گردانند و برنامه‌ی حداقل آن استخراج جامعه‌ی فطری
مردم‌سالار و راهی ملی باشد.
شبه‌مدرنیسم با تسلیح دموکراسی دولتمند و
نوسازی اقتصادی و رسیدن به راه‌شد چهار از راه‌های زرد
در شرق آسیا در مابیت فن‌گاری و برنامه‌های تبدیل
ساختاری منطبق بین‌المللی بول، مدعی جز با تولید
بسیارگی به تسلیح ملی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی
و فرهنگی نظام جهانی سرمایه‌داری ندارد و در این راه از
باز تولید استبداد شبه مدرنیسم لایه‌ی نثاره در سرمایه‌ی
جهانی در شکل جدید خود خواهان نفوذ لبراهری
سرکوب در کشورهای پیرامونی است. از راه سرکوب
اقتصادی به سرکوب سیاسی نیاز خواهد داشت.

در صورتی که توانان فو به نفع مستغرابان است انحصار تجارت را در اختیار دارند.



در دزدگانه «فرصتی» کارنامه سلجی شهردار تهران

فرزام اmini

فصلی زمانی شدن شهردار تهران، که می‌بخش تولید در راستای رفاهت سیاسی، در مرحله‌ی بحرانی این رفاهت بین جناح مستی و جناح بی‌سورباتیک - تک‌کراتیک اصلاح طلب (اولی مستی بر سرمایه‌های مالی و بازار در پیشی از اصلاح و دومی بر اتحادی در سرمایه‌های فعال و طبقه متوسط و تا اشکال کارگران و کشاورزان) در گرفت، و خصوصاً در اشکال ساخته ظاهر آنها استوار رهبری برای خلاصی موقت این شهردار پایان گرفت. اگر شهردار تهران به تنهایی در دادگاهی مستی بر هنجارهای توسعه شهری، و رفاه شهری، توزیع درآمد فشار بار هزینه‌های عمران شهری و یا حضور کارشناسان موافق (مستی بر منافع سرمایه‌گذار شهری و منافع بیوروکراتیک خارجی) و مخالف (مستی بر رفاه عامه و مصالح اقتصادی) ندانم که کارشناسی می‌شد، بی‌گمان فرصت سرمایه‌یافت بزرگ بگویم سرمایه‌های اقدامات بی‌سابقه‌ی عمران و توسعه‌ی شهری را ارایه دهد و مردم نیز بر آن گواهی می‌دانند اما دادگاه به این‌چنین تمام نمی‌شد بخش دیگری در دادگاه اختصاص می‌یافت به چگونگی توزیع بار هزینه‌ی این طرح‌ها و اقدامات هر چقدر اقتضای مختلف مردم و چگونگی سهمیه‌بندی‌های ناهماهنگ اجتماعی اقتصادی.

چنین دادگاهی می‌توانست هزینه‌ها را به گونه‌ی زیر ردیف‌بندی کند:

- هزینه‌های مستقیم عوارض
- هزینه‌های تحمل فشار و گرد و خاک و سرو صدا
- آزارهای دوری ۸ ساله فعالیت شهرداری
- هزینه‌های آلودگی محیط زیست
- فشار بار آن قسمت از بار تورم که با اقدامات شهرداری پدید شد
- هزینه‌های نابودی محیط‌ها، دوختن، جنگل‌ها و جز آن
- هزینه‌های مادی و فرهنگی ناشی از بستن درب سازه‌ها، تجاری‌سازی‌های مازنی‌سازی‌هایی که به فرمان

شهرداری، خلاف انتظار و فسادهای رفاه شهری و مسامحتات شهروندی که متوجه مردم شد اکتبند شدن راستی تجاری را در چمنتری محل سکونت کوی نصر و ناپودی جنگ‌های شمال این کوی را در نظر بگیریم) همین دادگاه می‌توانست درآمد و دستاوردهای طرح‌های شهری را به شکل زیر فهرست کند:

- درآمد‌های ناشی از ایجاد شغل برای بخشی از کارگران ناماهر ایرانی و غیرایرانی.
- درآمد‌های ناشی از سود ساختمان‌سازی برای بیروم‌سازان بزرگ و متوسط و بیرونی‌های معمولی در دهه‌های مختلف و درآمد‌های ناشی از سرفصل‌های تجاری‌ها برای حامیان آن‌ها در مرحله‌های مختلف شهری.
- دستاورد بی‌خورداری از گسترش‌های فضای سبز در محله‌های مختلف که البته شامل همه‌ی محله‌های شهری می‌شود.
- دستاورد بی‌خورداری از فرهنگسراها و خدمات مشابه (و البته رشد یافتن و پیکارهای سینه‌ها را هم به حساب بگذاریم)
- صرفه‌جویی خالص زمانی در رفت و آمد شهری (چه کسی می‌تواند بگوید برای یک توره ۸ ساعته و دورهای بعد این صرفه‌جویی مثبت بوده است؟)

● شما به چه نسبت برای دستاوردهایی که می‌توانستند با توجه به هزینه‌های تحلیل‌شده به مردم، خیلی پیش‌تر از این باشند راه فشار بر اقتضای پایش و ولد رفاه اقتضای پایین را پیش گرفتید؟

● اگر هرچه از محرومان به سمت متوسلانی پیش می‌رویم نسبت پرفاخری به در یافتی در فرایند توسعه‌ی شهری پیش‌تر باشد تکلیف ما و شهرداریمان چیست؟

- دستاورد زیاده‌سازهای و بهداشتی محرومان و مران
- فسادهای ناشی از ایجاد مکزیم خودکامی
شهرداری تهران از طریق ایجاد رشد تورم و فراموشی‌ها (و اگر این نتیجه‌ی مستی باشد یعنی فراموشی یک بار برای همیشه بود و بعد شهر را با بحران اقتصادی شهری رها کرده است پس در آن صورت باید حساب آن را در هزینه‌ی بیاوریم)

یک دادگاه بر حومه‌ی می‌تواند فهرست را تکمیل و رد کند و در این راه از شمار مستوی از کارشناسان رشته‌های مختلف، تحت نظر کارشناسی اقتصاد شهری نظر بخواهد. این دادگاه می‌تواند در برابر یک هیئت متصفه خبره موسوس را به سخت بگذارد. من گمان نمی‌کنم در انتها این هیئت که با هنجارهای قانون مصالح عام تصمیم می‌گیرد به نفع شهردار تهران - یا بهتر بگویم سیاست‌شهرداری تهران - رأی بدهد.

مکن است شهرداری بگوید که روش انتخاب شده او نمی‌تواند در یک دادگاه کارشناسی به حد آنکه کشیده شود زیرا او این روش را در چارچوب سیاست اقتصاد پس از جنگ - که همان شکل تا کارآمد روشی اساساً نابود شد - تبدیل ساختاری بانک جهانی بوده است انتخاب کرده است. او می‌تواند بگوید مسئول طواری سیاست‌های اقتصاد پس از جنگ او نیست و کسی دیگری است اگر چنین کند می‌باید به دادگاه عالی توی نیز مراجعه کنید. اما این دادگاه کارشناسی مفروضی ما را تعطیل نمی‌کند بل تکلیف آن را مشخص نمی‌کند پس در واقع به او این که خط خط توسعه شهری در گروهی خط مستی سیاست کلی اقتصادی کشور بوده است چه بسا در فعالیت‌های اقتصادی و تحول و تحول‌های شهر تهران گمان و نهادها و شرکت‌های ذینفع بودند که این دیگر به طور نااستقیمی به دادگاه مفروض ما مربوط می‌شود زیرا نباید بپایان واقعی گرفتار و دادگاه بر حسب گروه‌های اجتماعی مشخص شود تا بپایان نهایی برای داور پس در اختیار نمایندگان ناظر و هیئت متصفه که با هنجار مصالح عامه کار می‌کنند قرار بگیرد که بحث ما فرسوس است سهمیه‌بندی‌های مستقیم و نااستقیمی اشخاص حقیقی و حقوق ویژه از فعالیت عمران در توسعه‌ی شهری تهران، واقعیت نزدیک بود شایع است که نظارت ناگهانی و بی‌سابقه قبل از چاب تو روزنامه‌ی هفت‌شنبه‌ی (ایران) شب پیش از اختلاص شهردار، در ارتباط با این تجسس و کنترل بوده است که صادق ایشان از گشای - به ویژه جناح مقابل - که در مناطق شهرداری - به ویژه منطقه ۱، پیش شمیرانات - امتیازهای ویژه دریافت کرده‌اند نامی برده باشد یا گمان دیگر از سوی ایشان و باز از قبول خوششان چنین کاری کرده باشند به در تقصیر مستور عمل این هیئت متصفه می‌تواند چنین باشد:

۱. جمع دریافتی مستقیم و نااستقیمی هر گروه اجتماعی بخش بر مجموع هزینه‌های مستقیم و نااستقیمی همان گروه اجتماعی مساوی است یا چه عددی؟
۲. اگر این حاصل تقصیرها - (استیسه‌های دریافتی به هزینه‌ها) برای مثلاً ۳۰۰ تا ۵۰۰ گروه اجتماعی از پایین‌ترین و محروم‌ترین تا بالاترین و مستقیم‌ترین حساب و ردیف کنیم چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟

فرماندهی توسعه □ شهرداری و بی‌سورباتیک

الف. هر چه از محرومان به دست مستوفیها میروید
نست مزبور پیش تو می شود تکلیف ما و شهروندان
چیست؟

ب. اگر از آن بدتر، نه تنها این نسبت بیشتر
می شود بل که برای گروههای پایینی نسبت به نسبت او
کمتر (یعنی اثراتی ناچیز در برابر پرخشانی بالاتر)
برای گروههای بالایی نسبت به نسبت او (یعنی اثر
در اثراتی فراوان در برابر پرخشانی ناچیز) بود تکلیف
چیست و تالیی کدام است؟

لا ممکن است هشت نسخه متاع عامه بیاورد و نه
در کاری که در بند ۱ بالا می گنجد نسبت به دریافتی هر
گروه را به نیازهای آن گروه و نیز نسبت به هزینههای
متحمل شده آن گروه را به نیمی مالی آن گروه
شماره که سبب به صورت روز شد چه باید کرد؟
الف. اگر معلوم شد دریافتی دو گروه نسبت به
نیازشان رابطه معکوس یا سطح رنگ اجتماعی آنان
دارد (پادشاه و نیازمندان کمتر دریافتی دارند)
ب. در آن صورت، اگر معلوم شد که نسبت دریافتی هر
گروه به نیمی مالی آن گروه چنین است که هر چه دست
گروههای فقرتر و طراست سرور به نسبت کوچکتر
می شود و چه چابری می گرداند و بر عکس افسار محروم
نست به فوئشان پرخشانی بالاتری گردانند.

ع. تا خصیصه ها و ممالک خاص برای گروههای
افراد گری و انواع دارایی بر بنیاد انواع ارزشها و چون
نشان دادند تا همین جا ما فوئشان خودمان را هیچ گردانیم
که امیدی به تشکیل چنین معامه فوری کارشناسی
وجود داشته باشد من از معرفی شاخصهای دیگر
تولاری می گنجد.

اما با اطمینان خاطر می توان گنجد که بر اساس
شاخصهای پند شده بالا به جز در موارد استثنایی در
مخلفه های شهری معین کارنامه ای کار به نوع شدت
اجتماعی به نوع توزیع مناسب و متعلق که در جهت
بیش کردن شاخصهای توزیع حرکت می گنجد به نوع رفاه
جنس شهروندان بیرون نمی آید پس باید واقعا چیزی
بزرگوار می ستاندهای مادی و زیرماتهای شهری
گنجد چرا که آن ها به واقع وجود دارند و در دفاعی که
بخش عمده مردم به طور سریع با فوئشی از شهردار
گردند بر آن پایه فوئشند.

پله درست است این نتایج و گسترش های چه بسا
چشمگیر و حدود داشته است اما نگاه فوری
کارشناسی ما به هتجاز هتس هم خواهد پرخشند
لا. البته آیا با مبارزهای ریالی از هزینههای انجام
شده بهترین نتایج ممکن (چاری و آتی) به دست آمده
است یا ممکن بود نتایج به مراتب بهتری در چارچوب
سیاستها و مدیریتهای دیگر به دست آید
س) با مبارزهای رفاه اجتماعی چه؟
با این حساب ممکن است دادرسی دولتی
مستاوردا و دیگر چنان فوئشان داشته و بکسر فوئشان
نمانند.

واقعیت این است که به طور فزاینده ای نهایی اکثر
مردم شهر تهران که از حد لازم بهره اجتماعی و سیاسی
بر خود دارند نتایج و نتایج فزاینده ای را در گریه کاملاً

فوری و انسانی و می تواند شمار زیادی از آنها مانده من
می دانند که با این مبارزها نمی توان کارنامه از منت
نقش کرد از همه مهمتر آن ها می دانند که می باید
سیاستهای شهری تهران در متن سیاستهای کلی
اقتصادی دولت آزادی شود و پای کسان دیگر به پای
میر فوری کارشناسی کشنده شود و در این بدین مقاله
کاری به جنبه های حقوقی و کیفری و آنها خواهد مروهه
به قانون کشنده مجازات - سال ۱۳۴۷ نظرداد این
کسان شامل طراحان و سیمبران اصلی در دستاوردها
خواهد بود.

ممکن است شهردار با وکیل متاع کارشناسی او در
آید و بگویند اساساً خودشان همه آن سیاستهای
اقتصادی و آن نحوه توزیع سهم و سرشکن کردن
هزینهها را این گروههای اجتماعی به عنوان روش های
عاشق و متعلق قبول دارند ممکن است آن ها مانده
مدافعان «تاریخچه» در آید که

تا فشار بر نودها زیاد نشود تا آبیانت به نوع
گروههای محدود بالا نرود تا سیاست بازار باز و به مهار
کار خود را نماند و همه چیز را در انتقام خود در نیارد کار
رونی اقتصاد و اقتصاد شهر شروع نمی شود و نیز بگویند
که این فشار و بازار رنگی و محروم متعلق چیزی بوده
است که باید پرخشند و انتقال بار این به افسار
بالا و تشریح شیوه مدیریت در راستای قانون رفاه
اجتماعی و رنگ و رنگ و رنگ می دهد و آن ها از آن
بیزاری و این روش را نپذیر می گنجد - اما سایر نوع
مدافع در توسعه اجتماعی به زخم آنان بداند نگاه
می نمانند تا خود به چه مناسبت و یا چه
مسئولیتی برای دستاوردهایی که تازه خودشان
می نمانند تا خود به هزینههای تحمل شده خیلی
سجود می نمانند و فشار بر افسار باستانی و راه رفاه
پریشتر از این مانده و فشار بر افسار باستانی و راه رفاه
افشار بالای آن پیش گرفته اند مگر این حکم وحی منزل
بود و با مگر اوضاع و احوال نظر کار سیاسی برای آن وجود
داشت لو متلا چیزی بود دوباره روش های معمول برای
یک بیمار دچار آمده به سکنی آتی چرا شد دیگر
نظرها را چو نماندند کار دیگر فر این جا به روش
معمولیت و متن سیاسی راد می باشد و برای نگاه فوری
با کار و بار تاریخی را می فریاند که باید به نگاه فوری
دیگری ارجاع شود

با این وصف وقتی شهردار زمانی سرد مردم و
کارشناسان زیادی که با این استفاده ها به نیمی خاص
خودشان اشخاصی داشته از در دفاع از شهردار فراموشند این
به جز نجات و سیاسی از همین دستاوردها که بیرون از
آن نگاه فوری که بر آن می نگریستند - از این حقیقت
ناشی می شد که طرف مقابل می خواهد از فوئشی حقیقت
که جنبه کارشناسی آن را در بالا ترسیم گردیده و
داطوه فوئشی مردم در وجود سوء استفاده در شهرداری در
گنجد - البته شماری از واقفیتها فر این راستا - بهره
برد و با هدف نیروی که پیش توین انگایش به مردم
است که از متاع ویژه اقتصادی - جنسی از فوئشی
خاصی را می گویند - به قدرت انحصاری تالیی دست
یابد مردم هم شریفانند و هم هشیار باشند تا به آن نگاه
فوری در چارچوب یک جامعه انسانی و متعلق بود اما
ساز و آرازی خواه و خدایان دست باشند



پل پوت مرد،

پل پتیسیم چی ۱۴

ایرج نجدی

تالیی روی لشن همه ما معاوهها و صنعتها
کوچک تولید بین جنسها را که بر روی نختر دواز به دواز
افزاید بود نشان دادند تا همه جهان بارون کند مرگ او را
بازو کند که بلویوت اینان به رانی سوده است بلویوت
زغالی در رانی جنسی قرار گرفت تا کمپوش را از مند
استفسار و استفسار بهاد و این مسان مبارزات
عشقی با پدر مردم و انقلابیون و فرصت رسانند
این مالی مند شد تا کاسوج از بند استفسار رهایی یابد
اما خاکمان جدید و فوئشی آن بلویوت پیش تو اسپر فوئشی
خود بودند و آن چه را که در فوئش داشته حقیقت متعلق
می گردند و درک در فوئش از معقل های تاریخ کشور
خود نداشته فوئشی خود را خجاست «فول» و فوئشه
می نمانند و هر آن کسی که در فوئش آن خواستهها از
خواسته های دیگر سخن به میان می آورد به دار مجازات
لویوت می مند ساتویس پیش ایدولوژیک رفتار
سیاسی آن ها را فراهم می آورد و کمونیست مبارزاتی
مدل بود که آن ها پیش روی خود داشته در مدنی کوتاه
مش از چند میلیون از مردم می گنجد کاسوج اعلام شدند
شایسته ستانی دیگر از انقلابیون به کمک دولت و ستانم
خودهای سرخ با با مصلحت نظاری از قدرت به زسر
گنجد آن ها تا مدتها در اطراف تایشه باقی ماندند و در
نظام فوئشی زیر و زبر حمایت مالی فوئشه سرمایه داری
فوری آن آمریکا قرار گرفتند با فوئشی نظام فوئشی
بلویوت و پارلیمنس به متالی بدین معنی شوم و فوئشوی
مرد نشانده همه جهانان قرار گرفتند و پیش روی تو
لیست جلیانان فوئش قرن بیستم باشد و فوئشک رایت
چشمی سودی سنگبری و مداکتی و ای سود شایسته سا
تصویر چند سواد روی صفحه تلویزیون خود روستا و شد
بلویوت اثر اما بلویس چیزی بدین معنی که نشان داد
چپ تندرو و انگویوت و می توجه به معقل تاریخی و ملی
که خود را در چارچوب حزب و جامعه و تاریخی - قسم مردم
می نمانند در پایتختی حقوق مردم و جسم و جنایت دست
همه بر ضد کنترل قدرت از پایین رانی دیگر مانده
است